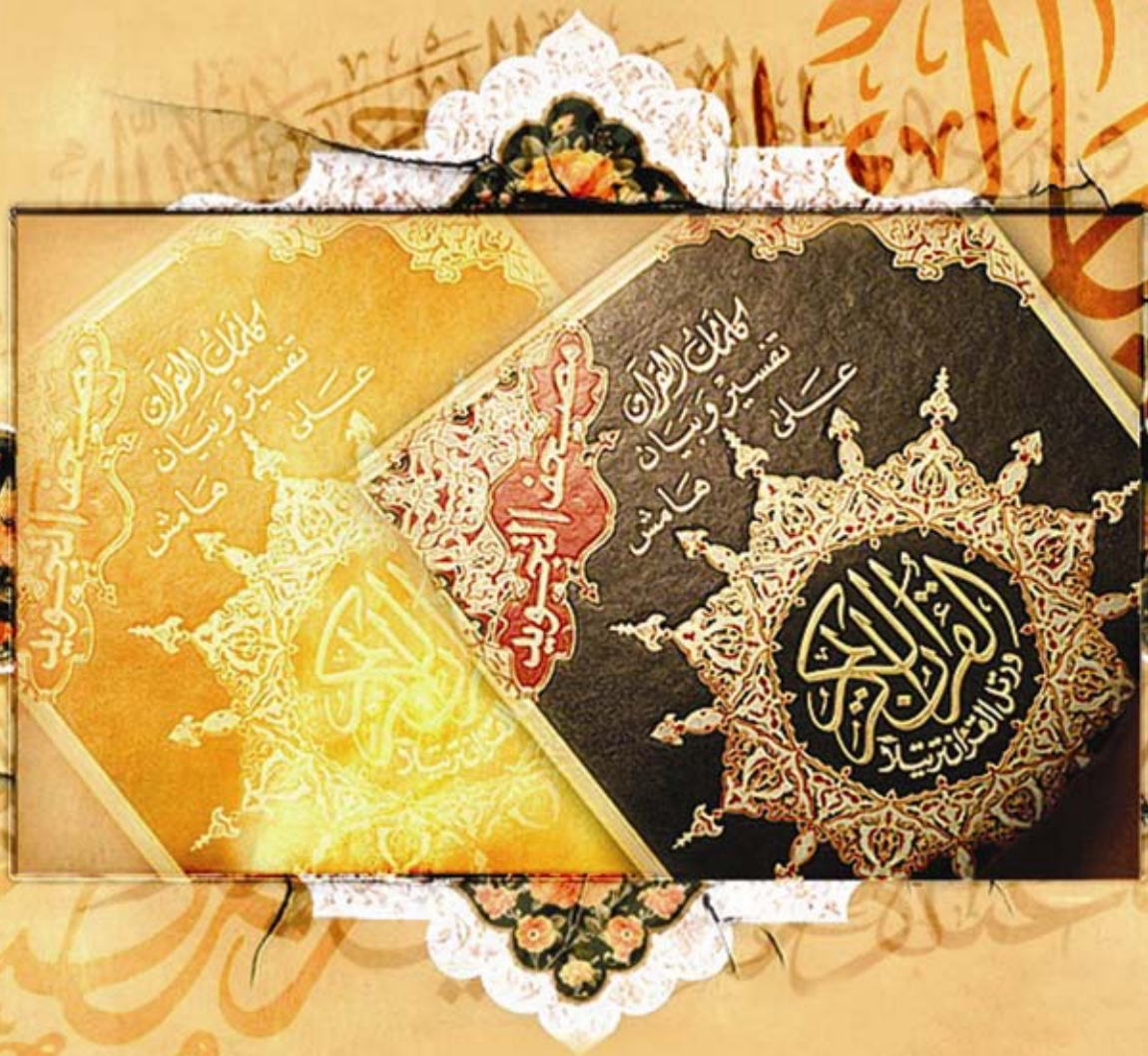


آيينه‌ايشار

فصلنامه خبری آموزشی و اطلاع رسانی
ستاد شاهد و ايتارگر دانشگاه شهيد بهشتی
شماره دهم - تابستان ۱۳۸۶



پسوالله الرج من الله

امام خمینی (ره) :

شهدا در شادی وصالشان و در قهقهه مستانه شان عند ربهم برزقونند .

مقام معظم رهبری :

ما در حقیقت ، انقلاب ، اسلام ، قرآن ، ابرو و حیثیت را از برکت خون شهدای عزیزمان داریم .

۳ / مناجات

۴ / حرف اول

۵ / اخبار

۶ / در محضر استاد

۸ / گفتگو

۱۱ / روش

۱۴ / شبیه باران

۱۷ / ستاره

۲۰ / دانستنی ها

۲۲ / لبنان سرزمین مقاومت

۲۴ / در گذر زمان

فصل نامه خبری، آموزشی و
اطلاع رسانی ستاد شاهد و ایثارگر

دانشگاه شهید بهشتی

شماره دهم - تابستان ۸۶

صاحب امتیاز:

ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: داوود طالبی

سر دبیر: سکینه زاهدی

دبیر تحریریه: فاطمه شایسته

مدیر هنری: امیرحسین محمدخان طهرانی

حروفچین: مریم اصغری

تلفن: ۲۲۴۳۱۸۸۳

نمابر: ۲۲۴۳۱۸۸۴

E-mail: shahed83@sbu.ac.ir

<http://shahed.sbu.ac.ir>

همکاران این شماره: رقیه افسری

مناجات

خداوندا عقیده مرا از دست عقده ام مصون بدار و به من قدرت تحمل عقیده مخالف ارزانی دار. مرا همواره آگاه و هوشیار دار، تا پیش از شناختن درست و کامل کسی یا فکری، مثبت یا منفی، قضاوت نکنم. شهرت، منی را که "می خواهم باشم" قربانی منی که "می خواهند باشند" نکند. خود خواهی را چندان در من بکش، یا چندان برکش، تا خود خواهی دیگران را احساس نکنم و از آن در رنج نیاشم. اندیشه و احساس مرا در سطحی پایین میاور که زرنگی های حقیر و پستی های نکبت بار و پلید (شبه آدمهای اندک) را متوجه شوم، چه دوست تر میدارم بزرگواری "گول خور" باشم تا همچون اینان کوچگواری "گول زن".

قسمتی از نیایش دکتر علی شریعتی

صرف اول

■ سالروز بازگشت آزادگان سرافراز



به بهانه بیست و ششم مرداد

بسمه تعالی و بذکر ولیه مهدی (عج... تعالی فرجه الشریف)

آزادگان، صبورتر از سنگ صبور و راضی ترین کسان به قضای الهی سینه هایی فراخ تر از اقیانوس داشتند که از همه جا و همه کس بریده و به خدا پیوسته بودند. آزاده نامیده شدند چون از قید نفس و نفسانیات رهایی یافته بودند.

در این روز، شکیبایی مادران، پدران، همسران و فرزندان این آزاد مردان به بار نشست و سال های نگرانی به پایان رسید و وعده الهی تحقق یافت:

«و بشر الصابرين».

روز ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹، میهن اسلامی شاهد حضور آزادگان سرافرازی بود که پس از سال ها اسارت در زندان ها و اسارتگاههای مخوف رژیم بعث عراق، قدم به خاک پاک میهن اسلامی خود گذاشتند و در سایه صبر و مقاومت به ظفر دست یافتند و با تحمل سختی های خزان، بهار دیدار را به ایرانیان پیشکش کردند.

آنهمه ناز و تنعم که خزان می فرمود

عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

آزادگان، با ایمان راسخ خود در برابر همه فشارهای جسمی و روحی دشمنان ایستادند و روابط اجتماعی جامعه کوچک اردوگاهی خود را بر پایه اخلاق حسنه بنا نهادند و از شکنجه های مزدوران بعث هراسی به خود راه ندادند.





گزارش ترم تابستانی ۸۶

ترم تابستانه ۸۶ با حضور بیش از ۱۵۰۰ دانشجوی شاهد و ایثارگر و دانشجوی عادی از دانشگاه شهید بهشتی و سایر دانشگاهها در قالب بیش از ۷۵ کلاس درسی و ۴۵ نفر از اساتید با مدیریت امور دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار گردید. نکته قابل توجه این که تعداد دانشجویان مهمان در امسال نسبت به سالهای گذشته قابل ملاحظه بود.

گزارش جلسات ستاد شاهد و ایثارگر

۱۲۳ پرونده آموزشی در تابستان ۸۶ بررسی شد. در تاریخ ۵/۴/۸۶، جلسه ای با حضور مسئولین دانشگاه و آقای مهندس طالبی در (محل) معاونت آموزشی دانشگاه به منظور رسیدگی به پرونده ۴۶ دانشجوی شاهد و ایثارگر برگزار شد، همچنین در جلسه مشابهی با حضور افراد فوق الذکر به تاریخ ۲۰/۶/۸۶، ۷۷ پرونده دیگر با موضوعات تبصره الحاقی به ماده ۲۶، تبصره الحاقی به ماده ۱۴، حذف درس، معرفی به استاد، سنوات تحصیلی، حذف ترم، درخواست تغییر رشته و انتقالی و درخواست بازگشت به تحصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت

گزارش اردوی فرهنگی - ورزشی



صعود به قله الوند
تیم کوهنوردی دانشجویان
شاهد و ایثارگر که به

سرمربی گری آقای سلماسی و کمک مربی آقای مستحسن در مدت ۸ ماه فعالیت مستمر، صعود به ارتفاعات توچال، کلکچال، آهار، دارآباد، دشت هویج و نیز نورالشهدای کرج را در کارنامه خود دارد، در تاریخ ۸/۴/۸۶ و در چهاردهمین صعود خود، قله الوند واقع در استان همدان را فتح کرد. در تاریخ ۸/۴/۸۶، ۳۲ دانشجوی دختر و ۶ نفر همراه در قالب یک اردوی فرهنگی - ورزشی به سمت همدان حرکت کردند و طبق برنامه ریزی قبلی به مدت ۳ روز در اردوگاه فرهنگی - تربیتی ابوذر همدان اسکان یافتند.

تیم کوهنوردی ایثار، متشکل از دختران شاهد و ایثارگر، در حرکتی کم نظیر و بدون هیچ سانحه ای به فتح قله ی ۳۴۵۰ متری الوند نائل آمد و در تاریخ ۸/۴/۸۶ به تهران بازگشت.

لازم به ذکر است که تیم مذکور در طول این ۳ روز از اماکن فرهنگی - تاریخی ذیل نیز بازدید به عمل آورد.

۱. آرامگاه شیخ الرئیس ابوعلی سینا
۲. آرامگاه بابا طاهر عریان
۳. غار آبی علی صدر
۴. موزه تاریخ طبیعی
۵. آبشار گنج نامه
۶. تپه هگمتانه
۷. کتیبه تاریخی گنج نامه



مسئله ای به نام بداء . . .

بنابراین ما بحثی درباره گذشته تا حاضر و بحثی برای آینده داریم . مسئله در تکلیف و وظیفه و مسئولیت ، برای ما آن وقت مشخص می شود که بعد از آنکه درباره گذشته یک شناختی پیدا کردیم، درباره آینده نیز شناخت پیدا کنیم.

تکامل اجتماعی در گذشته

بدون شک ما اگر تاریخ گذشته را از دو نظر نگاه کنیم، می بینیم پیشرفت (می خواهید اسمش را تکامل بگذارید که مشکل است) برای بشر وجود داشته است. بشر از نظر خلاقیت فنی و از نظر خلاقیت ابزاری نه تنها به طور محسوس پیشرفت کرده است، بلکه به پیشرفت حیرت انگیزی رسیده است. به پیشرفتی رسیده است که اگر ۱۰۰ سال

پیش به همه بشرها وفیلسوفان درجه اول دنیا می گفتند صد سال بعد بشریت از نظر ابزار به این حد می رسد که امروز رسیده است، باورشان نمی آمد ، شما اسم این را می خواهید پیشرفت بگذارید ، می خواهید، تکامل. این تکامل معلول تکامل تجارب بشر و تکامل علم بشر است (علوم تجربی) چون بشر از نظر آگاهیهای تجربی و اطلاع به طبیعت پیش رفته و

در اسلام مسئله ای وجود دارد به نام بداء . بداء به حسب ظاهر مفهومی دارد که کمتر انسانها می توانند قبول کنند که بداء یک امر درستی است و حتی خیلی بر شیعه اعتراض کرده اند که شیعه قائل به بداء است. معنی بداء این است که در برنامه قضا و قدر الهی تجدیدنظر رخ بدهد. مقصود این است که در حوادث تاریخی بشر ، خدا برای پیش و پس رفتن تاریخ بشر صورت قطعی معین نکرده است. یعنی ای انسان ! تو خودت مجری قضا و قدر الهی هستی ، این تو هستی که تاریخ را می توانی جلو ببری ، می توانی عقب ببری ، می توانی نگه داری، هیچ جبری ، نه از ناحیه طبیعت ، نه از نظر ابزارهای زندگی و نه از نظر مشیت الهی بر تاریخ حکومت نمی کند. این یک جور فکر و نظر است. پس تا ما تکامل و مقصد انسانیت را نشناسیم ، نمی توانیم از تکامل دم بزنیم و بگوییم بشر رو به پیشرفت است زیرا بلافاصله این سوالات مطرح می شود: به کجا ؟ به سوی چه ؟ آیا به سوی نمی دانم کجا؟ اگر به سوی نمی دانم کجا است پس ما چه می گوییم ؟ راه رسیدن چه راهی است؟ ما تاریخ را می خوانیم برای اینکه راهگشا به سوی آینده باشد اگر نباشد که تاریخ فقط بتواند تا زمان حال ، خودش را معرفی کند ، و نتواند راه را به سوی آینده بگشاید فایده تاریخ چیست؟ ولی می بینیم که قرآن تاریخ را از این نظر مورد مطالعه قرار می دهد که راهگشای ما

در محضر استاد



دست آوریم ، نقش دین را در آینده هم کشف کنیم و مسئله آینده دین که باقی خواهد بود یا نه ، مربوط می شود به نقشی که دین در تکامل ماهیت انسان ، در تکامل معنویت و انسانیت انسان دارد یعنی نقشی که در حسن رابطه انسان با خود و با انسانهای دیگر دارد که هیچ چیزی قادر نیست و نخواهد بود جای آن را بگیرد. این خوش بینی نسبت به آینده بشریت و تکامل واقعی زندگی بشریت و به بن بست نرسیدن آن را فقط ما داریم و مکتبهای دیگر از نظر توجیه تکامل بشریت در آینده به بن بست رسیده اند. جز دین ، هیچ عامل دیگری نیست که این قسمت اعظم تکامل بشریت ، یعنی تکامل بشریت در ماهیت انسانی خودش را تامین کند.

توانسته است طبیعت را در خدمت و در تسخیر خود بگیرد. یک جهت دیگر تکامل (اگر باز بشود نام آن را تکامل گذاشت که مشکل است) این است که ساختمان جامعه بشری از یک حالت ساده تدریجاً به سوی پیچیدگی و پیچیده تر بودن پیش آمده و همان طور که در تکامل طبیعی ، ساختمان بدن یک حیوان تک سلولی نسبت به ساختمان بدن یک انسان که روابط پیچیده ای دارد، بسیار ساده است، در جامعه بشری هم چنین است.

بعضیها تکامل را این گونه تعریف کرده اند: تکامل عبارت است از تراکم ، یعنی ابتداء جمع شدن یک عده اجزاء و بعد تقسیم شدن ، از تجانس خارج شدن و به سوی عدم تجانس رفتن و به اصطلاح ارگانیزه شدن ، عضو - عضو شدن ، جزء - جزء شدن و سپس یک رابطه وحدت میان اعضا برقرار شدن

نقش انبیاء و دین در تکامل تاریخ

آیا انسان امروز از حیوانیت خودش بیشتر فاصله گرفته و واقعاً ارزشهای انسانی در او تحقق یافته است یا انسانهای دیروز ؟ به عبارت دیگر تکامل انسان در ماهیت انسانی خودش چه صورتی دارد؟ این قسمت است که نقش انبیاء را در تکامل تاریخ روشن می کند. انبیاء در تکامل تاریخ چه نقشی داشته اند و چه نقشی در آینده خواهند داشت ؟ از همین جا می توانیم نقش دین در گذشته را به

منبع: تکامل اجتماعی انسان
استاد شهید مرتضی مطهری (ص ۲۹-۱۶)

گردآورنده: رقیه افسری

همکاری من با استاد شاهد و ایثارگر ، قلبی است و من احساس می کنم
اگر چیزی در آن دنیا به من کمک کند همین کار است .

گفتگو با دکتر حسن لشکری

دانشیار دانشکده علوم زمین و جغرافیا

استاد مشاور آموزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر

← جناب آقای لشکری ، با سلام و عرض ادب
لطفا خودتان را به طور مختصر معرفی نمائید:

اینجانب حسن لشکری ، متولد سال ۱۳۴۰ هستم.
در سال ۱۳۵۸ به عنوان دانشجوی رشته جغرافیا
وارد دانشگاه شدم و با اخذ درجه دکترا از دانشگاه
تربیت مدرس تحصیلاتم را به پایان رساندم . در این
دوره پایان نامه من با معرفی سیستم اقلیمی جدید
در حوزه آب و هواشناسی ، عنوان پایان نامه برتر را
کسب کرد. در حال حاضر نیز به عنوان ریاست
دانشکده علوم زمین مشغول فعالیت هستم.





← دانشجویان دانشکده علوم زمین از تغییرات مثبت در دانشکده از زمان انتساب شما به ریاست آن صحبت می کنند، در این رابطه بیشتر توضیح دهید

دانشکده ما در رشته سنجش از دور ، جغرافیا و زمین شناسی، دانشجو می پذیرد که هر سه رشته در ارتباط تنگاتنگ با طبیعت قرار دارند، به همین علت در طول ۳ ماه گذشته بیش از ۳۵ سفر علمی را ترتیب دادیم ، تاثیر این سفرها علاوه بر بالا رفتن کیفیت آموزشی به علت تطابق یافته های کلاس و طبیعت ، در سر زندگی و شادابی دانشجویان مشهود است. علاوه بر این در این مدت برخی دستگاهها و تجهیزات آزمایشگاهی جدید را جایگزین دستگاههای قدیمی نمودیم تا از این طریق کمیت و کیفیت مقالات ارائه شده را به حدی برسانیم که در شأن دانشگاه باشد.

او موثر واقع شوم، دریغ نمی کنم چرا که این تخطی، نتیجه قصور محیط و من مسئول است.

← رمز موفقیت شما به عنوان مدیری که از محبوبیت بالایی در بین دانشجویان برخوردارید چیست؟

← با مقایسه دانشگاه شهید بهشتی با برخی دانشگاههای پایتخت و حتی شهرستانها احساس می شود در برخی زمینه ها در حد و اندازه نام دانشگاه ظاهر نشده ایم. تا چه حد با این نظر موافقت میکنید؟

من بر این اعتقادم که سخنی که از دل برآید، بردل می نشیند، دانشجو زمانی حرف مرا می پذیرد که احساس کند من با او صادقم و حرفی که می زنم از سر دلسوزی است. یک استاد، اول باید با دانشجویانش رفیق باشد و بتواند اعتمادش را جلب کند ، من با تمام دانشجویهایم دوست هستم و همه شان را مثل فرزندم دوست دارم و اگر احساس کنم فردی خطا کار است و من می توانم در اصلاح

انسان در زندگی دست به انتخاب های زیادی می زند اما

این دانشجویان ، فرزند مردانی هستند که نوع مرگشان را خودشان انتخاب کردند و با خدا معامله نمودند.

من به صورت مرتب با ورودی ها جلسه می گذارم و پرونده های تحصیلی شان را تعقیب و بایگانی می کنم.

باید هم خانواده و هم دانشگاه تلاش کنند تا این دانشجویان به این باور برسند که هیچ کمبودی ندارند و باید قدر خودشان را بدانند .

← **نظر شما در رابطه با تخصیص سهمیه برای ورود این دانشجویان به دانشگاه چیست؟**

به نظر من پدر این بچه ها از تمامیت ارضی کشور، ناموس و دین ما دفاع کردند که این کار، قابل قیمت گذاری نیست، باید امکان تحصیل فرزندان آنها در بهترین رشته و بهترین دانشگاه بدون کنکور فراهم شود، چرا که اگر آنها از سرزمین ما صیانت نکرده بودند، الان دانشگاهی وجود نداشت، زمانی پدر های این بچه ها سپر شدند و عده ای درس خواندند که الان مسئولیتهای بالایی در کشور دارند، ورود این بچه ها به دانشگاه حداقل کاری است که می توان در مقابل کار بزرگ پدرانشان انجام داد.

من از مسئولین دانشگاه خواهش می کنم به مسائل مختلف دانشجویان شاهد و ایثارگر بیشتر رسیدگی کنند چرا که این دانشجویان ستون های انقلاب هستند و هنوز حق آنها ادا نشده است .

چون من با دانشگاه تهران و تربیت مدرس هم همکاری می کنم و در جریان فعالیتهایشان هستم ، با رکود دانشگاه موافق نیستم، امام معتقدم که ما باید خودمان را با رشد شتابان علم در دنیا و کشور هماهنگ کنیم و اگر نتوانیم با سرعت حرکت کنیم ، رکود کرده ایم. در چند سال اخیر ، هم در مدیریت قبلی هم مدیریت جدید ، تلاشهایی برای بالا بردن فعالیتهای پژوهشی و آموزشی انجام گرفته اما برای دانشگاه شهید بهشتی کافی نیست. متأسفانه در سال های اخیر دانشجویان به سمت ناامیدی و بی انگیزگی می روند، به همین دلیل نهادهای مرتبط باید فکر اساسی کنند تا دانشجویان به عنوان بدنه دانشگاه به خود باوری برسند.

← **استاد! در خصوص همکاری تان با ستاد برای دوستان خواننده توضیح دهید:**

همکاری من با ستاد شاهد و ایثارگر ، قلبی است و من احساس می کنم اگر چیزی در آن دنیا به من کمک کند همین کار است .

این کار جزء معدود کارهایی است که برای دلم انجام می دهم و از آن لذت می برم. از ظن من این بچه ها برگزیده های خداوند هستند و این شرایط برای هر کسی پیش نمی آید.

روش

همه اش از «نادانی» بود...

منبع: روزنامه اطلاعات شماره ۲۴۰۶۵



احساس گناه:

وقتی احساس گناه می کنید، در واقع تائید نکردن خود را تقویت می کنید. شما اعتماد به نفس و احترام خود را از دست می دهید، احساس ناشایستگی کرده و خود را گیر می اندازید. نکته کلیدی برای رهایی از احساس گناه، بازشناسی این واقعیت است که ما همه در زندگی می کوشیم تا کارها را به بهترین وجه انجام دهیم. اما ممکن است در هر زمان آگاهی های محدودی داشته باشیم.

احساس گناه و رنجش حالتهایی روانی هستند که عشق و محبت را تخریب کرده و درد و رنج به بار می آورند. در ظاهر امر، آنها توسط رخدادها ایجاد می شوند ولی در واقع این طور نیست. «رنجش و گناه»، حاصل شیوه ارتباط شما با رخدادهاست (یعنی چگونگی ارتباط دادن حوادث با خود). خوشبختانه چون خودتان آنها را ایجاد کرده اید، خودتان نیز قادر به ترک آنها هستید. این نوشته به شما یاد می دهد که چگونه خود را از دست این احساس ها خلاص کنید.

داشته و به شیوه ای خاص به زندگی نگاه می کرده اید. توجه کنید که شما در آن لحظه متناسب با آنچه که در آن قرار داشتید، عمل کرده اید. اگر شما از آنچه که امروز می دانید با خبر بودید احتمالا به شیوه ای دیگر عمل می کردید بنابراین در اینجا سوالی بزرگ مطرح می شود آیا حاضرید خود را بخاطر آنچه که نمی دانستید، ببخشید؟ آیا حاضرید خود را به خاطر اینکه دانای تر و آگاه تر نبودید، ببخشید شما قادر به انجام این کار هستید. اگر دقت کنید، می بینید که در هر لحظه از زمان و در هر جایی از مکان می توانید بهترین کار را انجام دهید. به خود اجازه انسان بودن بدهید!

احساس رنجش:

وقتی از کسی می رنجید، خود را در بن بست قرار می دهید. زبانتان تند و طعنه آمیز می شود و قادر به ابراز عشق و علاقه نیستید.

سرزننده بودن و لذت را از دست می دهید. مثل این که در اطراف خود دیوار کشیده و زندگی را برای خود مشکل تر می سازید. ترک و رها کردن رنجش برای دیگران سودی ندارد. سود رها کردن رنجش مال خود شماست.

زمانی که از کسی می رنجید، با قدرت می گوید که اشکال از فلان کس است، نه از شما. شما با قدرت دیگران را سرزنش می کنید و فرصت پرداختن به خود را از دست می دهید. اگر به خودتان نگاه کنید، تمام آسیب ناشی از اتفاق رخ داده را تجربه خواهید کرد. برای اجتناب از این آسیب و ناراحتی، شما می رنجید. اولین قدم در کاهش رنجش این است که



متاسفانه، آگاهی های ما به ندرت کافی است. در نتیجه ما اشتباه می کنیم. بعضی مواقع ممکن است اشتباهات بزرگی داشته باشیم. اشتباه کردن بخشی از ماهیت انسان است. اشتباه به ما می آموزد که چگونه (شیوه درست را) یاد بگیریم. هر گاه که اشتباه می کنیم، چیزی در مورد زندگی یاد می گیریم. بنابراین با هر اشتباه عاقل تر و آگاه تر می شوید. پنج سال بعد نسبت به امروز دانایتر خواهید بود، اما دانایی پنج سال بعد شما، به درد امروزتان نمی خورد. زیرا همین الان به آن نیاز دارید. همین طور دانایی را که امروز از آن برخوردارید، نمی توانید به گذشته، یعنی زمانی که اشتباهی را انجام داده اید، ببرید، زیرا شما آنچه را که امروز می دانید، در آن زمان نمی دانستید. برای لمس این واقعیت در زندگی خودتان، به زمانی برگردید که در آن اشتباهی را مرتکب شده اید، توجه کنید که در آن دوران شما حالت روانی خاصی

فراموش نکنید که (سود) بخشیدن برای شماست ،
نه برای دیگران .بخشش یک انتخاب است. رنجش را
به کنار گذاشته و به زندگی بپردازید.



حاضر به احساس این آسیب و ناراحتی باشید،
احساس رنجش را بررسی و آسیب و ناراحتی را پیدا
کنید. احساس خوب نبودن یا ارزش محبت نداشتن
را که تا به حال از آن اجتناب می کردید، پیدا کنید
. سپس به ابراز آن بپردازید. اگر می توانید ،
گریه کنید. اگر قادر به احساس این ناراحتی باشید، نیازی
به رنجش نخواهید داشت.

با شناسایی و التیام مسائل درونی که زندگی شما را
در بر گرفته، دلتان را شفا دهید.

گام بعدی توجه به این نکته است که شما از او
رنجیده اید، حالت روان شناختی خاص خود را
داشته و دنیا و زندگی را به شیوه ای خاص می
بینید. توجه کنید که آن شخص آگاهی های
محدودی دارد و متناسب با توانایی ها و مهارتهای
محدود خود عمل می کند. اکنون به این موضوع
دقت کنید که اگر این شخص، عاقل تر و آگاه تر بود،
شاید طور دیگری عمل می کرد. اما او داناتر و
آگاهتر نیست. این شخص فقط آگاهی های
محدودی از آنچه که هست، دارد.

توجه کنید که او بر احساس توانایی محدودش به
بهترین وجه (از دیدگاه خودش) رفتار می کند. به
این نکته توجه کنید که چقدر او به دلیل محدودیت
در توانایی هایش رنج می کشد.

اکنون از خود بپرسید، آیا حاضرید او را به خاطر آن
که داناتر و آگاه تر نیست، ببخشید؟ آیا حاضرید او
را به خاطر این که متناسب با توانایی های
محدودش رفتار کرده ، ببخشید؟ آیا حاضرید او را به
خاطر آسیبی که باعث شده است ببخشید؟

شهید مسعود آزمون نیا



فرزند: رحیم

تولد: ۱۳۴۰ تهران

شماره شناسنامه ۸۵۶

اعزامی در تاریخ: ۶۲/۹/۱۲

از: منطقه ده کشوری پایگاه مقداد، جمعی لشکر حضرت محمد رسول... (ص) تیپ

۳ ابوذر گردان بلال گروهان ۳ شهادت دسته ۲.

محل شهادت: جزیره مجنون

عملیات: خیبر

شهادت: ۶۲/۱۲/۲۵





فرازهایی از وصیت نامه شهید مسعود آزمون نیا

خدا را شکر می کنم که در زمانی ما را به دنیا آورد که دینش و رهبری دینش ، همچنین دشمنان آن ، به خوبی روشن بود و او را شکر می کنم که امام و رهبری به ما داد که زنگارها را از دینش زدود و آن را خالص و پاک به همه عرضه داشت ، اما می دانم که در مقابل این نعمتهای عظیم الهی مستحق امتحان و سختی هستیم. از او می خواهیم که همه ما از این امتحان ، روسفید بیرون آئیم.

انسان با کمی توجه به تحولات انقلاب از اول تا کنون به خوبی در می یابد که خدا با انقلاب اسلامی است و در مقاطع حساس امدادهای غیبی و الطاف آشکار و خفیه می دهد، اما اکنون که در چاه ظلمانی غوطه ور هستیم، از این الطاف غافلیم.

برادران! باید حامی و پشتیبان امام بود و گرنه در هر جا باشیم حامی و پشتیبان شیطان هستیم.

حامی روحانیت مبارز در خط امام باشید و ناآگاهان را نصیحت کنید و بدانید پیروزی نزدیک است، ظهور امام زمان (عج) نزدیک است، برپا شدن عدالت اسلامی در جهان نزدیک است.

در اواسط گفتگو، برادر بزرگتر - سعید آزمون نیا - به جمع ما پیوست، که به علت مساعد نبودن حال ایشان، برادرشان به همراهی و همگامی ایشان به شهیدآزمون نیا اشاره کردند.

منصور آزمون نیا صحبت‌های خود را این گونه ادامه می دهد: مسعود سکوت و خاموشی را فضیلت می شمرد و از بازگو کردن همه فعالیت‌هایش امتناع می نمود، وی مطیع تام ولایت فقیه و امام بود و مسائل جامعه و سیاست را از مسائل عبادی و فقهی جدا نمی دانست، او معلمی را بهترین طریقه برای صدور انقلاب در دلها می دانست و در جهت تبلیغ اسلام مبلّغی بسزا بود، تا این که به تاریخ ۶۲/۱۲/۲۵ در عملیات خیبر، در جزیره مجنون، به لقاء... پیوست.

روح این مجاهد شهید و پدر و مادر گرمی اش قرین رحمت الهی گردد، انشاء...!

هر دو شاگرد اول مدرسه شان بودند، مسعود سه کلاس را در یک سال و سعید دو کلاس را در یک سال خوانده بود، سال دوم دانشگاه بودند که با شروع انقلاب اسلامی، هر دو، درس را رها کردند و هم دوش با امت مسلمان در فتح پایگاه های رژیم شاه فعالیت داشتند، این همراهی ادامه یافت تا برگ شهادت مسعود در جزیره مجنون رقم بخورد و سعید، جانباز ۷۰ درصد اعصاب و روان، در عرصه برد و باخت زندگی بماند.

جملات فوق، بخشی از صحبت‌های منصور آزمون نیا، برادر شهید مسعود آزمون نیا در دیدار با مهندس طالبی، مدیر کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر است.

وی در ادامه می گوید:

مسعود در سال ۱۳۴۰ به دنیا آمد و پس از پایان دوران دبیرستان، در سن ۱۶ سالگی، با معدل ۱۹، وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و در رشته کامپیوتر مشغول به تحصیل گردید.

او بعد از انقلاب اسلامی، مدت ۵ سال به عنوان جهادگر در کنار مستضعفین سیستان و بلوچستان فعالیت می کرد، پس از آن، مدتی در هیئت های ۷ نفری جهت تقسیم زمین مشغول بود، ضمن آن که گاهی نیز با عنوان پیام رسان انقلاب در روستاهای کرمان و بندرعباس حضور داشت. وی در کنار برادران بسیج و سپاه، در کردستان برای استمرار حق و عدل از پا نمی نشست و با شروع جنگ تحمیلی، علاوه بر ایثارگری در جنوب، مدت ۸ ماه فرماندهی اطلاعات و عملیات شهرهای غرب کشور را بر عهده داشت.



ستاره

◀ **عده ای از دانشجویان شاهد و ایثارگر دوست ندارند بین همکلاسی هایشان با این عنوان شناخته شوند ، نظر شما در این خصوص چیست؟**

*متأسفانه بعضی دانشجویان به خاطر وجود بعضی حرفها در جامعه حتی از سرزدن به امور شاهد و و ایثارگر ابا دارند، این حرفها از طرف عده ای عنوان می شود که اتفاقاً جزء مردم عادی نیستند و از این گونه حرفها سود می برند.....

به اعتقاد من باید روی تک تک این دانشجویان کارکرد و پیش از آن نمی توان صحبت از کار گروهی نمود.

◀ **ضمن تشکر از حضور شما در این گفتگوی دوستانه، لطفاً خودتان را معرفی کنید:**

اینجانب سیده زهرا حسینی نژاد ماهانی ، دانشجوی سال چهارم روان شناسی و فرزند جانباز ۵۵٪ هستم.

◀ **در خصوص وضعیت تحصیلی خودتان به عنوان دانشجوی ممتاز بیشتر توضیح دهید:**

با وجود علاقه مندی ام به فعالیتهای عملی و انجام کارهای پژوهشی در شرایط فعلی که حتی بهترین اساتید نیز، بیشترین اهمیت را به نمره می دهند ، مجبورم توجه بیشتری به معدل داشته باشم، ضمن این که معدل من در دروه ی لیسانس می تواند در ورودم به مقطع فوق لیسانس تاثیر گذار باشد، با این حال من جزء فعال ترین دانشجویان هستم و از ابتدای ورود به دانشگاه هیچ تفاوتی بین خودم و دانشجویانی که بدون سهمیه وارد دانشگاه شده ه دند ندیدم. اما همواره فراهم شدن این شرایط را از لطف خداوند می دانم.



سینمای کشورهای دیگر حتی آینده ما را نیز از دید خودشان به تصویر می کشند و بعضا فیلم هایی در راستای تضعیف اعتقادات ما می سازند که از سوی کشورهای اسلامی جوابی به آنها داده نمی شود، حال آنکه حتی به لحاظ پژوهشی جای زیادی برای کار بر روی این فیلم ها وجود دارد.

← خانم حسینی تا چه اندازه به فعالیت های غیز آموزشی می پردازید و اوقات بیکاریتان را چگونه می گذرانید؟

*من به انیمیشن، سینما، نقاشی و کارهای دستی علاقه زیادی دارم تا جایی که گاهی شبهای امتحان هم نقاشی می کشیدم. اما در حال حاضر به دلیل مشغله زیاد فرصت کمتری برای پرداختن به آن دارم و انشاء... در آینده در صورت فراهم بودن شرایط قصد ادامه آن را دارم. تماشا و نقد فیلم جزء مهمترین سرگرمی های من هستند و بیشتر فیلم های ایرانی و خارجی را تماشا کرده ام.

← با توجه به علاقه تان به سینما و تماشای فیلم فکر می کنید سینمای دفاع مقدس تا چه حد توانسته فضای جنگ را انعکاس دهد؟

*متأسفانه سینمای ما در به تصویر کشیدن جنبه های واقعی جبهه و جنگ ناموفق عمل کرده و از بین تمام واقعیت های جنگ تنها خشونت و غم را به بیننده القا می کند، پدر بنده مرحوم شده اند اما از افراد دیگری که در جبهه حضور داشته اند شنیده ام که جو غالب به شکل دیگری بوده که متأسفانه در فیلم های ما به آن نپرداخته اند. تفاوت بارزی که سینمای کشور ما با سینمای کشورهای دیگر و به خصوص هالیوود دارد، این است که ما در فیلم هایمان حرفی از آینده نمی زنیم در حالی که



← حرف آخر:

من با ورود به دانشگاه مدیون افراد زیادی هستم، من به عنوان یک دختر محجبه مدیون دختران مسلمانی هستم که به بهانه داشتن حجاب نمی توانند در دانشگاه های کشورشان درس بخوانند، من بیشتر از همه خودم را مدیون شهدایی می دانم که هیچ چیز نمی تواند جای خالی آنها را برای خانواده شان پر کند، اما بسیاری از آنها در روزهای آغاز زندگی مشترکشان علی رغم این که می دانستند ممکن است شهید می شوند به جبهه رفتند و در این شرایط روا نیست که عده ای حق استفاده از کمترین امتیازات را برای خانواده این عزیزان قائل نباشند.

← رسیدن به موفقیت تحصیلی با وجود داشتن مسئولیت زندگی نیاز به برنامه ریزی و هماهنگی دارد، چه طور از عهده این کار برآمدید؟

با توجه به متاهل بودنم ، احساس می کنم در صورتی که کوچکترین فرصتی را از دست بدهم نسبت به همسرم ظلم کرده ام، به همین علت باید حداکثر استفاده را از زمان بکنم. من بیشتر فعالیت درسی ام را در خوابگاه انجام می دهم تا آخر هفته که به خانه می روم فرصت بیشتری را به ایشان اختصاص دهم، بحمدالله ایشان نیز با این شرایط کنار آمده و تلاش می کنند تا من با دغدغه کمتری درس بخوانم.



۲۰۰ مگاوات انرژی آزاد کند و بدیهی بود اگر هسته های بیشتری فرو پاشیده می شد انرژی فراوانی حاصل می گردید.

در سال ۱۹۳۸ با انجام آزمایشاتی توسط دو دانشمند آلمانی بنامهای اتوهان و فریتس شتراسمن فیزیک هسته ای پای به مرحله تازه ای نهاد این فیزیکدانان با بمباران هسته اتم اورانیم بوسیله نوترونها به عناصر رادیواکتیوی دست یافتند که جرم اتمی کوچکتری نسبت به اورانیم داشت و در اینجا بود که نا قوس شوم اختراع بمب اتمی به صدا در آمد. زیرا هر فروپاشی هسته اورانیم میتواند تا ۲۰۰ مگاوات انرژی آزاد کند و بدیهی بود اگر هسته های بیشتری فرو پاشیده می شد انرژی فراوانی حاصل می گردید.

در سال ۱۹۳۹ یعنی قبل از شروع جنگ جهانی دوم در بین فیزیکدانان این بیم وجود داشت که آلمانیها به کمک فیزیکدانان نابغه ای مانند هایزنبرگ و دستیارانش بتوانند با استفاده از دانش شکافت هسته ای بمب اتمی بسازند، به همین دلیل از آلبرت انیشتین خواستند که نامه ای به فرانکلین روزولت رئیس جمهور وقت آمریکا بنویسد در آن نامه تاریخی، از امکان ساخت بمبی صحبت شد که هر گز هایزنبرگ آن را نساخت. چنین شد که دولتمردان آمریکا برای پیشدستی بر آلمان پروژه مانهتن را راه انداختند و از انریکو فرمی دعوت به عمل آوردند تا مقدمات ساخت بمب اتمی را فراهم سازد. سه سال بعد در دوم دسامبر ۱۹۴۲ در ساعت ۳ بعد از ظهر نخستین راکتور اتمی دنیا در دانشگاه شیکاگو آمریکا ساخته شد. سپس در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ نخستین آزمایش بمب اتمی در صحرای الامو گروه و



از بمب اتم بیشتر بدانیم

هانری بکرل نخستین کسی بود که متوجه پرتوهای عجیب سنگ معدن اورانیم گردید. پس از آن در سال ۱۹۰۹ میلادی ارنست رادرفورد هسته اتم را کشف کرد. وی همچنین نشان داد که پرتوهای رادیواکتیو در میدان مغناطیسی به سه دسته تقسیم می شود:

(پرتوهای الفا و بتا و گاما) بعدها دانشمندان دریافتند که منشاء این پرتوها درون هسته اتم اورانیم می باشد.

در سال ۱۹۳۸ با انجام آزمایشاتی توسط دو دانشمند آلمانی بنامهای اتوهان و فریتس شتراسمن فیزیک هسته ای پای به مرحله تازه ای نهاد این فیزیکدانان با بمباران هسته اتم اورانیم بوسیله نوترونها به عناصر رادیواکتیوی دست یافتند که جرم اتمی کوچکتری نسبت به اورانیم داشت و در اینجا بود که نا قوس شوم اختراع بمب اتمی به صدا در آمد. زیرا هر فروپاشی هسته اورانیم میتواند تا

داشتند. ریاست این پروژه با یک ژنرال سه ستاره، به نام «گروز» بود که به طور مرتب، واشنگتن را از پیشرفت کار مطلع می‌ساخت. یکی از ویژگی‌های پروژه مانهتن، هزینه بسیار بالای آن بود (۲۵ میلیارد دلار) که در زمان جنگ هیچ دولتی چنین بودجه‌ای را نداشت. سرانجام در حالی که در ۸ می ۱۹۴۵ آلمان تسلیم می‌شود و جنگ اروپا به پایان می‌رسد، فاتحین، کنفرانس پوتست دام را به منظور تعیین سرنوشت آلمان تشکیل می‌دهند، پوتست دام یک منطقه بی‌الاقی در نزدیک برلین بود که با توجه به اینکه برلین آنقدر ویران شده بود، حتی ساختمان درخوری در این شهر نبود که در آن اجلاس برگزار شود. در بین کنفرانس، هری ترومن، رئیس جمهور آمریکا، تلگراف رمزی تحت عنوان «نوزاد متولد شد»، دال بر به ثمر رسیدن پروژه مانهتن دریافت می‌کند. در اواخر جولای، رئیس جمهور آمریکا، دستور به کار بردن این سلاح جدید را علیه ژاپن برای تاریخ بعد از ۲ اوت صادر می‌کند؛ ۵ شهر ژاپن به ترتیب اولویت برای واشنگتن در لیست قرار می‌گیرند: توکیو، کیوتو، هیروشیما، ناگويا، ناکازاکی.



ATOMIC

نیو مکزیکو انجام شد. سه هفته بعد هیروشیما در ساعت ۸:۱۵ صبح در تاریخ ۶ اگوست ۱۹۴۵ بوسیله بمب اورانیم بمباران گردید و ناکازاکی در ۹ اگوست سال ۱۹۴۵ بمباران شد که طی آن صدها هزار نفر فوراً جان باختند.

اختراع بمب اتم

در طول جنگ جهانی دوم شاهد نوآوری تسلیحاتی از جانب دولتهای درگیر در جنگ می‌باشیم، سه دولت عمده‌ای که دارای مراکز تحقیقات استراتژیک و لابراتورهای معظم تحقیقاتی بودند، عبارتند بودند از ژاپن، آلمان، آمریکا. ژاپن به دنبال توسعه سلاح‌های شیمیایی بود که در این زمینه موفقیت‌چندانی به دست نمی‌آورد. آلمان‌ها دارای مرکز تحقیقاتی «پینامون» بودند که موفق به اختراع سلاحی نو در تابستان ۱۹۴۰ می‌شوند، این سلاح موشک بود که در طول جنگ آلمان‌ها علیه انگلستان از خاک فرانسه‌ی اشغال شده به کار می‌بردند. اما در رابطه با تحقیقات مربوط به شکافتن هسته اتم، علی‌رغم تبلیغات متفکین که به بزرگ‌نمایی خطر اتمی آلمان می‌پرداختند، نازی‌ها در این خصوص موفقیتی به دست نیاورده و پس از شکست آلمان مشخص می‌شود که آنها در مرحله ابتدایی ساخت بمب اتم قرار داشتند.

مرکز سوم، آمریکا بود. آمریکا با استفاده از امتیاز منحصر به فرد دور بودن از صحنه جنگ و مصونیت از بمباران و ویرانی، در سال ۱۹۴۳ پروژه مانهتن را در صحرای لوس‌آلاموس (Los Alamos) در ایالت نیومکزیکو، شکل می‌دهد. ریاست این پروژه اتمی، با پروفیسور «اوین‌هایمر» بود و دانشمندان غیر اروپایی مانند «فرمی» و ... در این پروژه نقش



لبنان سرزمین مقاومت

خاطرات سفر جمعی از اساتید به لبنان

کریم احمد ، وضعیت زندان را این گونه تشریح می کند : هر اتاقک مساحتی حدود (۳/۳ متر مربع) دارد که در آن چهار نفر را زندانی می کردند. البته این شرایط مربوط به بعد از آمدن صلیب سرخ می باشد و قبل از آن تعداد بیشتری را در هر اتاق جا می دادند، و هر کسی که زندانی می شد ،

به زندان خیام می رسیدیم ، موقع نماز است .قبل از بازدید از زندان معروف خیام ، گروه به نماز می ایستد و سپس از آن روزهای تلخ ، فیلمی می بینیم ، کریم احمد مجیب سی ساله از روزهای تلخ اسارتش ، از آن پانزده سالی که از نوجوانی ۱۵ ساله ، مردی با تفکر بزرگ ساخته است ، می گوید؛

بعد از خداحافظی با مجیب ، برای نهار به دره شوان می رویم . رودخانه الوزرانی ، با زیبایی تمام ، همچون نقاشی طبیعت درمقابلمان قرار داد و بچه ها شاد و به دور از تنش و اضطراب به یاد ایام کودکی، در میان آن شنا می کنند.

درست پشت سر ما کوهی قرار دارد که آن طرفش طبق قطعنامه ی سازمان ملل باید متعلق به سوریه باشد که البته درچند سال گذشته به خواست دولت حافظ اسد ، از آن حزب الله شده است.

اما از آنجا که اسرائیل وقعی به بیانیه ۲۴۴ سازمان ملل ننهاد ، این ارتفاعات زیر سلطه دولت اسرائیل می باشد.

ابوهیثم در این خصوص به سندهایی که از ساکنان اصلی منطقه جمع آوری شده و اسنادی که حزب الله در دست دارد اشاره می کند و علت اصلی ندادن این منطقه به لبنان را نیازمندی اسرائیل به آب شیرین این رودخانه عنوان می نماید.

به هر حال آن روز یکی از بهترین ناهارهای سفر را درکنار رودخانه الوزرانی خوردیم و سوار بر اتوبوس به سوی بیروت بازگشتیم.

ادامه دارد....

ابتدا باید به غرفه تحقیق می رفت و در آنجا آن قدر او را شکنجه می دادند که بارها مرگ را به چشم خود می دید.

یکی دیگر از روشهای شکنجه مربوط به قبل از سال ۱۹۸۵ و آمدن صلیب سرخ ، قرار دادن زندانی در اتاقکی آهنی به اندازه ی نصف قد یک آدم بود که زندانی مجبور بود ساعتها به حالت نشسته در جعبه بماند. وی افزود این اتاقکهای یک متر مربعی به سلول های انفرادی معروف بود.

مجیب درادامه گفت ، گاهی زندانی را به جایی وصل می کردند ، به طوری که پاهایش روی زمین نباشد؛ در اثر این نوع شکنجه که معمولاً در زمستان

صورت می گرفت، علی عبدالله حمزه و حسین علی فیاض شهید شدند. احمد مجیب تاکید کرد، ۱۵ سال را نمی توان در ده دقیقه خلاصه کرد، چرا که

این زندان از وحشتناکترین و مخوف ترین زندان ها در لبنان بوده است و من نمی دانم از قهقهه های زندانبانان بعد از ریختن آب جوش بر روی زندانیان

بگویم یا وصل کردن بدن زندانی ها به جریان برق. مجیب به بیان تاریخچه این زندان پرداخت و گفت : این مکان که در سال ۱۹۳۳ به عنوان اصطبل برای

اسب های نظامیان مورد استفاده قرار می گرفت ، بین سالهای ۱۹۴۳ تا ۱۹۷۳ به پایگاه نظامی تبدیل شده و از سال ۱۹۸۵ به عنوان زندان مورد استفاده

قرار گرفت . خیام امروز موزه ای است تا نشان دهد ، حزب الله برای رسیدن به لبنانی آزاد ، تا چه اندازه درمقابل کفر و صهیونیسم مقاومت نموده است هر

چند اثرات آن روزها و آن شکنجه ها تا سال ها با اعضاء حزب الله باقی خواهد ماند.

۲۸ مرداد



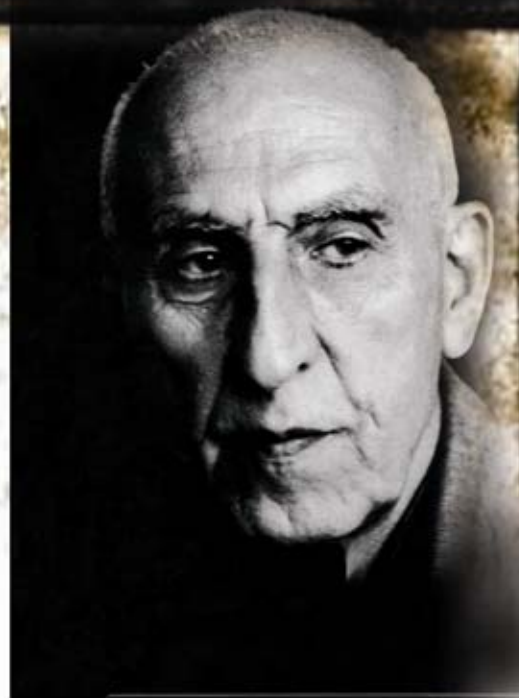
در گذر زمان

نهضت ملی ایران با رهبری آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و مبارزات قهرمانانه ملت مسلمان ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به اوج خود رسید و نزدیک بود طومار استبداد و استعمار را برای همیشه درهم پیچد اما در این میان، اتفاقاتی رخ داد که نهضت مردمی را از مسیر اصلی خارج ساخت و به شکست کشاند.

پس از روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق، او خواهان افزایش اختیارات بود و آیت الله کاشانی که ریاست مجلس هفدهم شورای ملی را بر عهده داشت، برای ایجاد اتحاد و جلوگیری از تفرقه، به این لایحه نخست وزیر رأی داد. با این حال مصدق، در صدد منزوی کردن مجلس بود و اختیارات بیشتری می خواست. این در حالی بود که آیت الله کاشانی معتقد بود که مجلس، کمال همکاری را با دولت دارد و نیازی به اختیارات بیشتری نیست. از همین زمان، اختلاف نظر در امور مختلف بین دکتر مصدق و آیت الله کاشانی آغاز شد و این اختلافات پس از درخواست تقاضای تمدید اختیارات نخست وزیر به مدت یک سال از جانب مصدق، شکل جدی و گسترده به خود گرفت.

مصدق می خواست با اخذ اختیارات وسیع، نقش

مجلس را در قانون گذاری کمرنگ سازد و خواسته های خود را به صورت قانون درآورد. این اختلاف و شکاف در جبهه ملی و مذهبی، باعث شد که دشمنان با سوء استفاده از این فرصت در صدد کودتا علیه دولت و حذف مصدق باشند. در این میان آیت الله کاشانی، بارها در ضمن نامه ها و سخنرانی های خود، مصدق را از خطر وقوع کودتا آگاه کرد ولی مصدق، مغرور به قدرت خود و پشتیبانی مردم، نصایح دلسوزانه آیت الله کاشانی را نشنیده گرفت.



مقدمات کودتایی که در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به عمر حکومت مصدق خاتمه داد، از ده ماه قبل از آن در پاییز ۱۳۳۱ فراهم آمده بود و طرح اولیه آن نیز پس از بازگشت چرچیل به مقام نخست وزیری انگلستان در مهرماه ۱۳۳۱، تهیه گردید. این کودتا با همکاری آمریکا و انگلستان در ایران به وقوع پیوست و از آن پس، ایران به طور مستقیم تحت نفوذ رژیم استکباری آمریکا درآمد. پس از این کودتا، اوضاع ایران آنچنان بر وفق مراد آمریکا گردید که تا بیست و پنج سال، حکومت ایران مهم ترین دست نشاندۀ برای دولت آمریکا بود و آن دولت استکباری بر تمامی جریان ها و امور کشور ایران خیمه زد.

منبع:

روز شمار شمسی / مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما / به قلم دکتر حائری و همکاران

سرانجام با خروج شاه از کشور و به وجود آمدن شرایط لازم برای کودتا علیه دکتر مصدق، در حالی که بیش از ۱۳ ماه از پیروزی چشمگیر مردم در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ش نگذشته بود، این موفقیت با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط ایادی سلطنت طلب به شکست انجامید و مصدق سرنگون شد. از آن پس عامل کودتا، سپهبد فضل الله زاهدی، که در دولت مصدق سمت وزارت کشور را داشت به قدرت رسید و پس از مدتی محمدرضا پهلوی به کشور بازگشت و بار دیگر بر تخت سلطنت تکیه زد

سنجش از دور و G.I.S